بجهةِ عمارت نه ویرانی * (۱۱) خلاصه ای برادران خوشوقت شوید مستحکم
گردید خاطرجمع و متّفق و با صلح باشید که خدای محبّت و آرام با شما
خواهد بود (۱۲) و یکدیگررا ببوسهٔ مقدّس سلام رسانید (۱۳) و تمامیِ مقدّسان
شمارا سلام میرسانند (۱۴) توفیقِ عیسیِ مسیح خداوند و محبّتِ خدا
و رفاقتِ روح القدس با همهٔگیِ شما باد * آمین *

تمام شد نامهٔ دویمِ پولُسِ حواری باهلِ قُرِنتُس

نامهٔ پولُسِ حواری به گلتیان

مشتمل

بر شش باب

(بابِ اوّل مشتمل بر بست و چهار آیه)

(۱) پولُسِ حواری شده نه از جانبِ خلق و نه بوساطتِ خلق بلکه از عیسیِ
مسیح و خدای پدر که اورا از مردهگان برخیزانید (۲) و تمامیِ برادران که
با من میباشند بکلیسیاهای گلتیه (۳) که فضل و آرام بر شما باد از خدای
پدر و خداوندِ ما عیسیِ مسیح (۴) که خودرا در راهِ گناهانِ ما فدا نموده
است تا آنکه مارا از این جهانِ زشت خلاصی بخشد بمشیّتِ خدا و پدرِ ما
(۵) که اورا تا ابدالآباد جلال باد آمین * (۶) و من تعجّب مینمایم که شما
باین زودی برگشتید از آن کس که شمارا بفضلِ مسیح خوانده بود بمژدهٔ
دیگر (۷) که فی الحقیقه مژدهٔ دیگر نیست مگر اینکه بعضی هستند که شمارا
مضطرب میسازند و میخواهند که انجیلِ مسیحرا منحرف نمایند (۸) لیکن
اگر ما یا فرشتهٔ از آسمان مژدهٔ دیگر جُز اینکه ما بشما رسانیدیم رساند

ملعون باد (۹) چنانچه پیش گفتم حال نیز میگویم که اگر کسي شمارا مژده دهد جُز آنکه یافتید ملعون باد (۱۰) آیا الحال مردم‌را راغب مینمایم یا خدارا یا آیا خوش‌آمدِ مردم‌را مي‌جویم اگر خوش‌آمد مي‌نمودم خلق‌را خادمِ مسیح نمي‌بودم * (۱۱) و اي برادران من شمارا خبر میدهم در بارهٔ آن مژده که من آوردم که بحَسَبِ خلق نمي‌باشد (۱۲) از آنجا که من آنرا نه از خلق یافتم و نه فرا گرفتم مگر به اِنکشافِ عیسيٰ مسیح (۱۳) و شما سرگذشتِ مرا در دینِ یهُودْ پیش از این شنیده اید که بشدّت کِلیسیاي خدارا مزاحم شده اورا ویران نمودم (۱۴) و در دینِ یهُودْ از اکثرِ رُفَقا در میانِ قومِ خود سبقت جستم که تعصّبِ سُنَنِ پدرانِ خودرا بیشتر داشتم * (۱۵) لیکن چون خدا که مرا از شکمِ مادر جدا نمود و بفضلِ خود خواند راضي شد (۱۶) که پسرِ خودرا برمن جلوه‌گر سازد تا آنکه مژدهٔ اورا در میانِ قبائل رسانم در آن وقت بجسم و خون نه پرداختم (۱۷) و نه باُورِشَلِیم بنزدِ آن کسان که قبل از من حواري بودند رفتم مگر بدیارِ عَرَبْ رفته باز به دَمِّشِقْ برگشتم (۱۸) و باز بعد از سه سال باُورِشَلِیمْ رفتم که با پِطْرُسْ ملاقات شود و پانزده روز با ويْ بودم (۱۹) و کسي دیگر از حواریان‌را ندیدم جُز یعقُوبِ برادرِ خداوندرا (۲۰) و آنچه بشما نوشتم اینك در حضورِ خدا مینویسم که دروغ نیست (۲۱) و بعد از این بنواحيِ شامْ و قِلِیقِیّه آمدم (۲۲) و در کِلِیسیاهاي یِهُودِیّه که در مسیح میباشند صورتاً غیرِ معروف میبودم (۲۳) و آنها همین قدر شنیده بودند که آن کس که مارا پیش مزاحم میبود حال ندا میکند به آن طریق که پیش ویران مینمود (۲۴) پس بسببِ من خدارا تعظیم مینمودند

(بابِ دویم مشتمل بر بیست و یك آیه)

(۱) و باز بعد از چهارده سال دیگر بار به اُورِشَلِیمْ رفته بَرنَباسْ و تِیتُسْ‌را همراه گرفتم (۲) و بحَسَبِ الهام رفتم و نـزدِ ایشان بیان نمودم آن مژده‌را که

در میانِ قبائل ندا بآن میکنم لیکن در خلوت بمعتبرانِ ایشان که مبادا بیهوده بدوم یا دویده باشم (۳) هرچند ضرور نبود که تیطُس هم که با من بود ختنه شود که یونانی بود (۴) مگر بسببِ برادرانِ کاذبِ پنهانی آمده که داخل شده بودند که آزادیء مارا که در مسیح عیسی داریم تفحّص نموده تا مارا به بنده‌گی در آرند (۵) لیکن ایشان‌را یك ساعت هم از راهِ اطاعت منقاد نگشتیم تا آنکه حقیقتِ انجیل در میانِ شما پایدار باشد (۶) و در خصوصِ آنها که ظاهرًا چیزی بودند هر چه بودند نزدِ من تفاوت ندارد که خدا صورتِ خلق‌را نمی‌پذیرد و آن بزرگان بر من هیچ نیفزودند (۷) بلکه چون دیدند که من بدادنِ مژده بغیرِ مختونان امین شده ام چنانچه پطرس باهلِ ختنه (۸) از آنجا که آن کس که بجهتِ رسالتِ پطرس باهلِ ختنه تقویّت نمود همان کس نیز مرا در میانِ قبائل تقویّت نمود (۹) و چون یافتند یعقوب و کیفاس و یوحنّا که ظاهراً ستون میبودند آن فضیلت‌را که بمن عطا شده است دستهای راست‌را بجهتِ شراکت بمن و برنباس دادند تا آنکه ما در میانِ قبائل برویم و ایشان باهلِ ختنه (۱۰) و همین‌را می‌خواستند که مفلسان‌را یاد آریم و من نیز در همین عمل جهد می‌کردم * (۱۱) و چون پطرس به انطاکیّه آمد اورا رو برو مخالفت نمودم از آنجا که مستوجبِ مؤاخذه بود (۱۲) زیرا که پیش از آمدنِ بعضی از جانبِ یعقوب با قبائل اکل می‌نمود و چون آنها آمدند متواری گشته از ترسِ اهلِ ختنه خودرا جدا ساخت (۱۳) و باقی یهودیان در ریای او شریك شدند بحدّی که برنباس نیز از ریای آنها از جا کنده شد (۱۴) لیکن چون من دیدم که بحسبِ حقیقتِ انجیل درست قدم نمی‌زنند در نزدِ همه‌گی پطرس‌را گفتم چون تو که یهودی هستی بطورِ قبائل زیست می‌کنی نه بطورِ یهود چون است که بر قبائل زور می‌آوری که به یهودیّت پردازند * (۱۵) ما که طبعاً یهودی هستیم و نه از قبائلِ گناه‌کاران (۱۶) از آنجا که میدانیم که مردم از اعمالِ

شرعي عدالت نمي‌يابند مگر به ايمان بر عيسيُ مسيح ما نيز بر عيسيء مسيح ايمان آورديم تا آنكه از ايمان بمسيح عادل شويم نه از اعمالِ شرعي زيرا كه از اعمالِ شرعي هيچ بشري عدالت پيدا نخواهد كرد (۱۷) و اگر هنگامي كه مي‌خواهيم در مسيح عدالت پيدا نمائيم خود گناه‌كار باشيم مسيح واسطهٔ گناه است و حاشا عَنْ ذَالِكَ (۱۸) كه اگر آن چيزهارا كه خراب نمودم باز تعمير نمايم خودرا خاطي قرار خواهم داد (۱۹) كه من بعلّتِ شريعت از شريعت فاني شدم تا آنكه در خدا زنده باشم (۲۰) و با مسيح مصلوب شدم و زنده هستم ليكن نه مَنَم بلكه مسيح است كه در من زنده است و زنده‌گاني كه حال در جسم مينمايم بايمان بر پسرِ خدا مينمايم كه با من محبّت نموده خودرا در راهِ من تسليم نمود (۲۱) توفيقِ خدارا ضايع نمي‌سازم كه چنانچه عدالت از راهِ شريعت پيدا شود بديهي است كه مردنِ مسيح مطلقا مصرف نداشت *

(بابِ سيوم مشتمل بر بيست و نه آيه)

(۱) اي گَلَتِيانِ خفيف‌العقل كيست كه شمارا چشم‌بند نموده است كه راستي‌را اطاعت نه نمائيد و حال آنكه در چشمانِ شما عيسيء مسيح كه در ميانِ شما مصلوب بود ظاهر ميبود (۲) و اين‌را ميخواهم كه از شما معلوم نمايم وبس كه آيا روح‌را از اعمالِ شرعي يافتيد يا از استماعِ ايمان (۳) آيا شما اين قدر بي‌مدرك ميباشيد كه در روح شروع نموديد و حال ميخواهيد كه در جسم كامل گرديد (۴) آيا اين همه زحمت‌را بيهوده متحمّل شديد ليكن شايد كه بيهوده نباشد (۵) و آن كس كه روح‌را بشما عطا مي‌نمايد و در ميانِ شما معجزات مينمايد از اعمالِ شرعي مينمايد يا از اعتقادِ ايماني (۶) چنانچه اِبْرَاهِيمْ خدارا باور نمود و اين در بارهٔ او عدالت شمرده گشت * (۷) پس دريابيد كه اهلِ ايمان همان پسرانِ اِبْرَاهِيمْ اند (۸) و كتاب چون پيش ديد كه خدا قبائل‌را از ايمان عادل ميشمارد به اِبْرَاهِيمْ پيش

مژده داد که تمامیءِ قبائل از تو برکت خواهند یافت (۹) پس اهلِ ایمان به اِبْراهِیمِ مؤمن برکت مي‌یابند * (۱۰) و کسانی که مُقَیَّد به اعمالِ شرعي اند موردِ لعنت مي‌باشند از آنجا که نوشته شده است که ملعون باد هر کس که ثابت نباشد در تمامیءِ نوشته‌هاي شریعت تا آنکه همه‌را بجا بیآرد (۱۱) و این بدیهي است که هیچ کس‌را عدالت نزدِ خدا از شریعت حاصل نمیشود از آنجا که عادل بایمان زنده‌گي خواهد یافت (۱۲) و شریعت‌را نسبتی بایمان نیست بلکه آنانی که آنهارا بجا آورده اند از آنها زنده‌گي خواهند یافت (۱۳) و مسیح مارا از لعنتِ شریعت فدیه گشته است که بجاي ما موردِ لعنت شد از آنجا که نوشته شده است که ملعون است هر کس که از دار آویخته شده است (۱۴) خلاصه چنین شد تا که برکتِ اِبْراهِیمْ در قبائل بوساطتِ مسیح عیسی بدید آید تا آنکه وعدهء روح‌را از راهِ ایمان یافته باشیم * (۱۵) اي برادران بر حَسَبِ خلق تکلّم مینمایم که اگر پیمانی از خلق باشد وبس چنانچه بسته شد هیچ کس آنرا باطل نمي‌سازد و چیزي بر آن نمي‌افزاید (۱۶) حالا اِبْراهِیمْ و نسلش‌را وعده‌ها کرده شده بود و نمی‌گوید نسلهارا که بسیار باشند بلکه همچون یك یعني نسلِ تورا و اوست مسیح (۱۷) و من میگویم که آن عهدي که از خدا بسته شد در مسیح شریعت که چهار صد و سي سال بعد بدیدار شد آنرا منسوخ نمي‌سازد بنهجي که آن وعده باطل شود (۱۸) و اگر میراث از راهِ شریعت باشد دیگر از راهِ وعده نخواهد بود لیکن خدا این‌را به اِبْراهِیمْ بحَسَبِ وعده عنایت نموده است * (۱۹) پس شریعت چیست بلي بجهتِ تجاوزها ملحق گردید تا هنگامِ آمدنِ آن نسل که وعده باو شد و بوساطتِ فرشته‌گان از دستِ واسطه قرار گرفت (۲۰) و واسطه بجهتِ یك طرف نیست و خدا یکي است * (۲۱) پس آیا شریعت خلافِ وعده‌هاي خداست حاشا و کلاّ زیرا که اگر شرعي مقرّر شده بود که مي‌توانست زنده‌گي بخشد هرآینه از شریعت عدالت پیدا مي‌شد

(۲۲) لیکن اکنون کتاب همه‌را به یك وتیرهٔ در گناه کَشیده است تا که آن وعدهٔ مؤمنان‌را از ایمان بعیسیٔ مسیح دادهٔ شود (۲۳) امّا قبل از آمدنِ ایمان در تحتِ شریعت مُقَیَّد شدیم و تا آمدنِ ایمان که ظهورَش آیندهٔ بود بسته شدیم (۲۴) پس شریعت مارا استاد گشته است بمسیح تا آنکه از ایمان عدالت‌را حاصل نمائیم * (۲۵) لیکن بعد از آمدنِ ایمان دیگر محکومِ استاد نیستیم (۲۶) از آنجا که همه فرزندانِ خدا هستید بایمان برعیسیٔ مسیح (۲۷) زیرا که اشخاصی که از شما بتعمید داخلِ مسیح شدید ملبّس بمسیح شدید (۲۸) و نه یِهُودْ و نه یُونانی و نه بندهٔ و نه آزاد و نه نرو نه مادهٔ از آنجا که شما همه درمسیح عیسیِ یك میباشید (۲۹) و چون زانِ مسیح می‌باشید خلاصه آن است که نسلِ اِبْراهِیمْ میباشید و بر حَسَبِ وعدهٔ از وارثان میباشید *

(بابِ چهارم مشتمل بر سی و یك آیه)

(۱) و من میگویم مادامی که وارث صغیر است با بندهٔ توفیر ندارد باوجودی که خداوندِ همهٔ است (۲) بلکه تا هنگامی که پدرَش مقرّر نمودهٔ است در تحتِ وُکَلا و ناظران است (۳) و ما نیز چون طفل بودیم در تحتِ مبادیٔ دنیوی بندهٔ بودیم (۴) و چون کمالِ هنگام فرا رسید فرستاد خدا پسرِ خودرا که از زن زائیدهٔ و در تحتِ شریعت مُتَوَلَّد شد (۵) تا آنکه آنانی‌را که در تحتِ شریعت اند فدیه شود که مقامِ پسرخواندهٔگی‌را یابیم (۶) و از آنجا که پسران می‌باشید خدا روحِ پسرِ خودرا به دلهای شما نازل نمود و او فریاد میکند یا ابا ای پدر (۷) پس دیگر بندهٔ نیستی بلکه پسری و چون پسرباشی وارثِ خدائی بوساطتِ مسیح * (۸) لیکن در آن هنگام که خدارا نمی‌شناختید آنان‌را که بالطّبع خداوندان نیستند بندهٔگی می‌نمودید (۹) امّا حال که عارف بخدا می‌باشید یا فی‌الحقیقه بخدا معروف شدید چون است که بسوی مبادیٔ ضعیفِ ناتوان رجعت می‌نمائید و دیگر از نَو بآنها میخواهید

که بندهگي نمائيد (۱۰) روزها و ماهها و فصلها و سالهارا نگاه ميداريد (۱۱) ميترسم از آنجا که مبادا درميانِ شما بيجا تصديع کشيده باشم * (۱۲) اي برادران از شما استدعا مينمايم که چون من شويد زانجا که من چون شما ميباشم شما بهيچ وجه ضرري بمن نرسانيده ايد (۱۳) و خود ميدانيد که مژدهرا بشما با ضعفِ جسم نخست رسانيدم (۱۴) و شما بسببِ آن تجربهء جسمي که در من بود مرا اِهانت نرسانيديد و دور نه نموديد بلکه چون فرشتهء خدا و چون مسيح عيسي قبول کرديد مرا (۱۵) چه مقدار بود مبارکبادِ شما که شاهد هستم که اگر ممکن بود چشمهاي خودرا کنده بمن ميداديد (۱۶) پس آيا شمارا دشمن گشتم چون بشما راست گفتم * (۱۷) نسبت بشما حميّت دارند ليکن نه نيکوئي بلکه ميخواهند مارا رانده باشند تا آنکه شما نسبت بآنها حميّت نمائيد (۱۸) سزاوار است که شما پيوسته در امرِ نيکو حميّت داشته باشيد نه همين که من نزدِ شما حاضر ميباشم (۱۹) اي طفلهاي من که از شما باز در دردِ زه ميباشم تا هنگامي که مسيح در شما بالکلّيّه مصوّر شود (۲۰) ميخواهم که الحال نزدِ شما باشم و صداي خودرا تغيير دهم زيرا که از شما در شك ميباشم * (۲۱) اي کساني که ميخواهيد در تحتِ شريعت باشيد بمن بگوئيد که آيا سخنِ شريعترا مسموع نميداريد (۲۲) زيرا که نوشته شده است که اِبْرَاهِيمْ دو پسر داشت يك از کنيز و ديگري از آزاد (۲۳) ليکن پسرِ کنيز بحَسَبِ جسم تولّد يافت و پسرِ زنِ آزاد بر وفقِ وعده (۲۴) اينها بر سبيلِ مثال است از آنجا که اين دو زن دو عهد هستند يکي از کوه سِينَيْ که بجهتِ بندهگي ميزايد و آن هَاجَرْ است (۲۵) و آن هَاجَرْ کوهِ سِينَيْ است در عَرَبْ و باُورِشَلِيمِ موجود همقدم است و با فرزندانِ خود در بندهگي هست (۲۶) و آن اُورِشَلِيمْ که در علّيين است آزاد است و مادرِ همهگيء ما او است (۲۷) که نوشته شده است که خوش باش اي عاقرهء که نزائيدهء و بانگ برآور و فرياد نما اي که دردِ زهرا نديدهء زيرا که اولادِ زنِ

بي‌كس بسيار بيش از فرزندانِ صاحبِ شوهر اند (۲۸) و ما اي برادران چون اِسحٰق اطفالِ وعده مي‌باشيم (۲۹) ليكن چنانچه آن وقت آن كه بحَسَبِ جسم تولّد يافت آن‌را كه بحَسَب روح بود صدمه ميرسانيد حال نيز چنين است (۳۰) ليكن كتاب چه ميگويد كنيزك و پسرشَ‌را اخراج نما از آنجا كه پسرِ كنيز با پسرِ زنِ آزاد ميراث نخواهد يافت (۳۱) پس خلاصه اي برادران اين است كه ما اولادِ كنيز نيستيم بلكه اولادِ زنِ آزاد ايم *

(بابِ پنجم مشتمل بر بيست و شش آيه)

(۱) پس در آن آزادي كه مسيح بما بخشيده است پايدار بمانيد و ديگر بار در غُلِّ بنده‌گي گرفتار نيآئيد * (۲) اينك من كه پولُسَم شمارا ميگويم كه اگر شما مختون شويد مسيح در بارهٔ شما سودمند نخواهد بود (۳) و نيز مكرّر آنكه هر كس كه مختون شود فتوي ميدهم كه بر او واجب است كه شريعت‌را تماماً بجا آرد (۴) و شمارا با مسيح هيچ كار نيست اي كسان كه از شريعت عدالت حاصل مي‌نمائيد و از توفيق افتاده ايد (۵) زيرا كه ما از روح اميدوارِ عدالت از ايمان مي‌باشيم (۶) كه در مسيح عيسي خُتنه و نامختوني هيچ اثر ندارد جُز ايمان كه بمحبّت عمل مينمايد (۷) و شما خوب مي‌شتافتيد آن كيست كه شمارا از اطاعتِ راستي مانع گشت (۸) كه اين اعتقاد از آن كس كه شمارا خوانده بود نمي‌باشد (۹) اندك خميري تمامِ چونه‌را خمير مي‌سازد (۱۰) من بر شما اعتماد دارم در خداوند كه ديگر چيزي خيال نخواهيد نمود و آن كس كه شمارا مضطرب مي‌نمايد هر كس كه باشد عقوبت‌را بگردن خواهد گرفت (۱۱) و اي برادران اگر هنوز من بخُتنه ندا كنم چرا زحمت ميكشَم يقين است كه كراهتِ صليب برخاسته است (۱۲) اي كاش آنان كه شمارا از جا مي‌بَرند خودرا بُريدندي * (۱۳) از آنجا كه شما اي برادران به آزادي خوانده شديد ليكن همين آزادي‌را فرصت بجهتِ جسم مَدانيد بلكه يكديگررا بنده‌گي نمائيد در طريقِ محبّت

(۱۴) از آنجا که تمامیء شریعت به یك سخن کامل میشود یعني تو آشناي خودرا چون خود دوست دار (۱۵) و اگر شما یکدیگررا بگزید و بخورید با حذر باشید که از یکدیگر بلعیده نشوید * (۱٦) و میگویم من که بروح رفتار نمائید که خواهشِ جسمرا کامل نخواهید نمود (۱۷) از آنجا که جسمرا خواهش بر خلافِ روح است و روحرا بر خلافِ جسم و این هردو ضدِّ یکدیگر اند بنهجي که آنچه خواهید نمي‌توانید نمود (۱۸) و اگر از روح هدایت شوید در تحتِ شریعت نمی‌باشید (۱۹) و اعمالِ جسم ظاهر است و آن این است فسق و زنا و بي‌عصمتي و فحش (۲۰) و بت‌پرستي و جادوگري و دشمنیها و نزاعها و غیرتها و خشمها و جدلها و جدائیها و بدعتها (۲۱) و حسدها و قتلها و مستیها و قلّاشیها و امثالِ اینها که من شمارا خبر میدهم چنانچه پیش دادم که عاملانِ این اعمال وارثانِ ملکوتِ خدا نخواهند بود (۲۲) و ثمرِ روح محبّت است و سُرور و آرام و حلم و مهرباني و اخلاق و وفاداري (۲۳) و افتاده‌گي و پرهیزگاري و بر چنین کسان شریعتي نمي‌باشد (۲۴) و آنان که زانِ مسیح اند جسمرا با خواهشها و تمنّاها صلیب نموده اند (۲۵) چون بروح زنده هستیم بروح نیز قدم زنیم (۲٦) جاه‌طلب نباشیم با ادّعا بر یکدیگر و حسد بر یکدیگر *

(بابِ ششم مشتمل بر هجده آیه)

(۱) و اي برادران اگر کسي ناگاه بخطائی گرفتار شود شما که روحاني میباشید آن شخص‌را بنفسِ حلیم بپزیرید و خودرا نیز ملاحظه نما که مبادا تو نیز در امتحان افتي (۲) و یکدیگررا ببارها دستگیري نمائید و باین نوع در شریعتِ مسیح کامل باشید (۳) اگر کسی گمان بَرَد که چیزي هست مادامی که چیزي نیست خودرا میفریبد (۴) و باید هر کس عملِ خودرا تحقیق نماید که آن وقت خود مجالِ فخررا در خود خواهد یافت نه از شخصِ دیگر (۵) زیرا که هر کس حاملِ بارِ خود خواهد بود * (٦) و باید که آن کس که از کلام تربیت مي‌یابد مُرَبّي‌را در همه‌گیء نعمتها شریك سازد (۷) و گول

نخورید که خدا فریفته نمي‌شود زآنرو که شخص هرچه افشاند همان خواهد دروید (۸) چه آن کس که در راه جسمِ خود مي‌پاشد از جسم فسادرا خواهد دروید و آن کس که در راهِ روح مي‌افشاند حیاتِ جاویدانيرا خواهد دروید (۹) از نکوئي ملول نگردیم از آنجا که اگر ملول نباشیم در موسمِ خاصّ خواهیم دروید (۱۰) پس بقدري که فرصت داریم در بارهٔ همه‌گي احسان نمائیم خصوصاً در بارهٔ خاندانِ ایمان * (۱۱) و مي‌بینید که من از دستِ خود چه مقدار کاغذ بشما نوشتم (۱۲) اشخاص که میخواهند ظاهراً در جسم آراسته باشند شمارا مجبور می‌نمایند که خُتنه نمائید محض از این رو که مبادا از صلیبِ مسیح زحمت کَشند (۱۳) از آنجا که همان اشخاص که خُتنه مي‌شوند خود شریعت‌را بر قرار نمیدارند بلکه خواهند که شما خُتنه شوید تا آنکه از ظاهرِ شما فخر نمایند (۱۴) لیکن مُیَسَّر نگردد که فخر کنم جُز از صلیبِ خداوندِ ما عیسيٰ مسیح که بوساطتِ آن مرا دنیا صلیب شده است و من دنیارا (۱۵) و در مسیح عیسيٰ نه خُتنه مصرف دارد و نه نامختوني جُز خلقتِ نو (۱۶) و آناني که بر حَسَبِ این قانون رفتار مینمایند آرام و رحمت بر آنها باد و بر اِسرائیلِ خدا * (۱۷) و دیگر هیچ کس مرا تصدیع ندهد که نشانهاي داغهاي عیسيٰ خداوندرا در جسدِ خود دارم (۱۸) توفیقِ خداوندِ ما عیسيٰ مسیح با روحِ شما باد اي برادران * آمین *

تمام شد نامهٔ پَولُسِ حواري به گَلَتیان